دیپلماسی اقتصادی ایران و تقویت روابط با شورای همکاری خلیج فارس

در بستر تحولات نظامی-امنیتی منطقه



میرعبداله حسینی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

توضیح اجمالی

در فضای ژئوپلیتیکی پیچیده و بحرانی خاورمیانه که با منازعات و تهدیدهای امنیتی در کشورهایی نظیر یمن، سوریه، عراق و فلسطین همراه است، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزاری مکمل برای مدیریت تنش‌ها و ایجاد پیوندهای پایدار منطقه‌ای اهمیت روزافزونی یافته است. نظریه‌هایی چون وابستگی متقابل اقتصادی (کانت، اسمیت، فریدمن) نشان می‌دهند که تقویت مبادلات اقتصادی میان کشورها، می‌تواند نه‌تنها به افزایش رفاه منجر شود، بلکه زمینه‌ساز کاهش تهدیدهای امنیتی و آغاز فرایند اعتمادسازی و گفت‌وگوی سیاسی باشد.

با وجود تنش‌های سیاسی، اختلافات ایدئولوژیک و چالش‌هایی نظیر تحریم‌ها، ایران و شورای همکاری خلیج فارس دارای منافع اقتصادی مشترک، ظرفیت‌های مکمل و موقعیت ژئواکونومیک مشابهی هستند که امکان تعمیق روابط اقتصادی میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. به‌ویژه در شرایطی که تحولات نظامی-امنیتی منطقه، پایداری اقتصاد را در معرض تهدید قرار داده، بازاندیشی در سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای و بهره‌گیری فعال از دیپلماسی اقتصادی، می‌تواند به‌عنوان راهبردی راهگشا مورد توجه قرار گیرد.

تحلیل روندهای اقتصادی و تجاری اعضای شورای همکاری خلیج فارس:

۱. همگرایی درآمدی درون شورا: در دو دهه اخیر، اختلاف درآمد سرانه میان اعضای شورای همکاری کاهش یافته و همگونی بیشتری میان کشورها شکل گرفته است.هرچند این همگرایی بیشتر حاصل تحولات داخلی کشورها است تا سیاستگذاری منطقه‌ای مشترک.

۲. افزایش شدت تجارت شورا:شاخص شدت تجارت اعضا از ۱.۵۹۶ واحد در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۲.۵ واحد در سال ۲۰۲۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد سریع صادرات و تقویت پیوندهای تجاری درون‌منطقه‌ای است.

۳. افزایش تدریجی صادرات درون‌منطقه‌ای: گرچه اعضای شورا همچنان وابسته به بازارهای جهانی هستند، سهم صادرات درون‌منطقه‌ای از حدود ۶ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۳.۴ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. این روند نشان‌دهنده آغاز فرآیند «ایجاد تجارت» میان اعضا است.

موقعیت ایران در تجارت با شورای همکاری خلیج فارس:

براساس آمار مرکز تجارت بین‌الملل در سال ۲۰۲۳، تجارت ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (به‌ویژه با امارات متحده عربی) بالغ بر ۲۹٫۳ میلیارد دلار بوده که ۷٫۶ میلیارد دلار آن صادرات و ۲۱٫۷ میلیارد دلار واردات است. با این حال، سهم ایران از کل تجارت این کشورها حدود ۱٫۵ درصد است که رقم بسیار پایینی بوده و نشان‌دهنده حضور محدود و شکننده ایران در ساختار تجاری منطقه است.

موانع ساختاری تجارت ایران

- ساختار صادراتی سنتی و خام‌محور؛
- بی‌ثباتی در سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای؛
- کمبود زیرساخت‌های لجستیکی و مالی؛
- سهم پایین صنایع دانش‌بنیان و خدمات در تجارت؛
- نبود دیپلماسی اقتصادی فعال و برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

این عوامل موجب شده‌اند که ایران نتواند از فرصت‌های اقتصادی موجود در منطقه بهره‌برداری مؤثر کند.

نکات کلیدی

در شرایط کنونی، تعمیق روابط اقتصادی ایران و شورای همکاری خلیج فارس نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه از منظر راهبردی ضروری است. ایجاد پیوندهای اقتصادی مستحکم می‌تواند به‌عنوان بستری برای کاهش تنش‌های سیاسی عمل کند؛ به شرط آن‌که ایران بتواند با اصلاح ساختارها و سیاست‌گذاری هوشمندانه، از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کند و نقش فعال‌تری در نظم اقتصادی منطقه ایفا نماید.

با وجود تحولات مثبت در تجارت درون‌منطقه‌ای شورای همکاری و وجود ظرفیت‌های اقتصادی قابل‌توجه در ایران، همگرایی اقتصادی ایران با این شورا تاکنون ناکافی و محدود بوده است. برای جبران این کاستی و ارتقای نقش ایران در ساختار اقتصادی منطقه، مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی ضروری است:

- نوسازی ساختار صادراتی کشور: توسعه صنایع دانش‌بنیان، خوشه‌های صادرات‌محور و زنجیره ارزش داخلی برای افزایش رقابت‌پذیری در بازار منطقه‌ای.
- اصلاح سیاست‌های تجاری: ثبات‌بخشی به تعرفه‌ها، حذف موانع غیرتعرفه‌ای، تسهیل فرآیندهای صادرات و ارتقای شفافیت اداری.
- تقویت دیپلماسی اقتصادی صنعتی: انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری، تقویت همکاری‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای شورا.
- حمایت از نوآوری و توسعه فناوری: سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه برای ارتقای کیفیت محصولات صادراتی به‌ویژه در حوزه‌های فناوری و صنایع پیشرفته و کسب مزیت رقابتی منطقه‌ای.
- توسعه صادرات خدمات: توجه ویژه به بخش‌هایی همچون گردشگری، فناوری اطلاعات و خدمات مهندسی که پتانسیل بالایی برای رشد در بازار خلیج فارس دارند.

اجرای این سیاست‌ها می‌تواند نقش ایران را در نظم اقتصادی منطقه خلیج فارس بازتعریف کرده و زمینه‌ساز بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های همکاری اقتصادی در بستر بحران‌های پیچیده امنیتی باشد. در نهایت، همگرایی اقتصادی هوشمندانه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای صلح و ثبات و توسعه پایدار در خاورمیانه عمل کند.